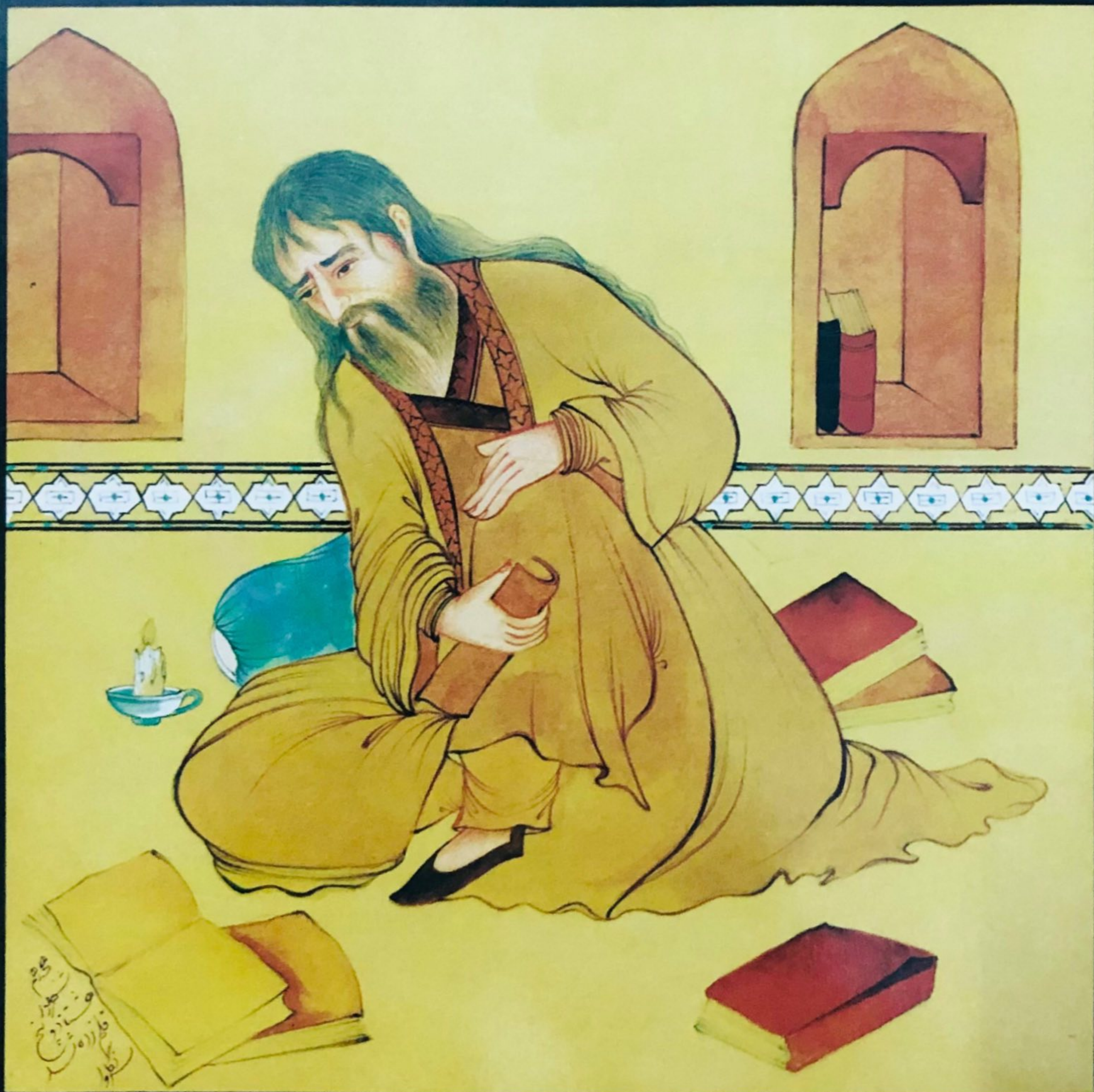




فصلنامه ی فرهنگی، هنری • سال اول • شماره اول • پاییز ۱۳۹۶
 قیمت ده هزار تومان

- جنبش علمی و گردش دانشمندان ایرانی در خراسان بزرگ رضا ماحوزی
- سبزواری از بد و تولد تا تشکیل حکومت سربلاری شیرین بهائی
- تهمت تعصب شیعیان محمدرضا محقق
- تاریخ بیهق اثری یگانه در تاریخ نگاری محلی کهن ایران عبدالرحیم قنوت
- ابوالحسن بیهقی و مثل نگاری سلمان ساک
- ابوالفضل بیهقی به روایت ابوالحسن بیهقی مهدی مهدی
- بیهقی از تاریخ ستایی تا نقد تاریخ محمود رضا سلیمانی
- معرفی شرح معارج نهج البلاغه علیه رضا کاظمی
- تحلیلی بر معماری ساختمان آرامگاه بیهقی میر علی کریمی
- حرکت روایت ها به سمت مستند نگاری علی شمشیری



ابوالحسن بیهقی و مثل نگاری



دکتر سلمان ساکت

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

ابوالحسن علی بن زید بیهقی (۵۶۵-۴۹۰ ق.)، معروف به «ابن فندق» و «فرید خراسان»، یکی از بزرگ‌ترین و نامدارترین دانشمندان سده ششم هجری است که اگرچه همواره زیر سایه نام همشهری خود، ابوالفضل بیهقی قرار گرفته، اما وسعت دانش و تنوع معلومات و شمار تألیفات و گستردگی آن‌ها، حتی در روزگار او کم‌نظیر بوده است. وی بیش از هشتاد کتاب در حوزه‌های مختلف علوم، مانند تاریخ، ادبیات، فقه، نجوم، تبارشناسی، حکمت، حدیث و ... تألیف کرده است که متأسفانه اغلب آن‌ها در گذر زمان از بین رفته و تنها تعداد بسیار کمی به دست ما رسیده است.

بی‌تردید یکی از حوزه‌های موردعلاقه بیهقی، امثال و حکم بوده است تا آنجا که در میان فهرست پر برگ و بار تألیفات او نام چهار کتاب در این زمینه به چشم می‌خورد. جالب آنکه بر اساس زندگی‌نامه خودنوشت بیهقی که یاقوت حموی در معجم‌الادباء آن را نقل کرده است، وی از جوانی با امثال مأنوس بوده است. او می‌گوید که در سال ۵۱۴ ق. در مکتب‌خانه ابوجعفر مقری (م: ۵۴۴ ق.)، امام جامع قدیم نیشابور، چندین کتاب از جمله الأمثال ابوعبید (م: ۲۲۴ ق.) و الأمثال ابوالفضل میکالی (م: ۴۳۶ ق.) را خوانده و دو سال بعد، در سال ۵۱۶ ق. به مجلس درس احمد میدانی راه

یافته و کتب متنوعی از جمله مجمع الامثال مهم و معروفش را پیش وی خوانده است (معجم الادباء، ۴/۱۷۶۰)؛ بنابراین باید بیهقی را یکی از بزرگ‌ترین مثل‌شناسان روزگار

خود به شمار آورد.

علاقه بیهقی به امثال به‌ویژه امثال تازی، در روزگار پختگی و میان‌سالی مثل‌شناسان روزگار هم ادامه یافته و او چهار کتاب در این زمینه تألیف کرده است. این خود به شمار آورد.

کتاب‌ها عبارت‌اند از: اسرارالحکم، ذخائرالحکم، مجامع‌الامثال و بدائع‌الاقوال و غرر‌الامثال و درر‌الاقوال که از میان سه کتاب نخست به دست ما نرسیده و آگاهی‌های ما درباره آن‌ها بسیار اندک است، اما خوشبختانه کتاب چهارم برجای مانده که در ادامه به شرح و توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

۱ - اسرارالحکم

اطلاع ما از وجود این کتاب تنها از رهگذر فهرستی است که بیهقی، خود از نگاشته‌هایش به دست داده و یاقوت آن را بعینه در معجم‌الادباء نقل کرده است. البته در هدیه‌العارفین (۱/۶۹۹) هم از این کتاب یاد شده که بی‌تردید با اتکا به اثر یاقوت بوده است. از محتوای کتاب هیچ اطلاعی وجود ندارد و تنها می‌دانیم که بیهقی آن را در یک جلد نوشته است.

۲ - ذخائرالحکم

گذشته از معجم‌الادباء، کشف‌الظنون (۱/۸۲۱)، هدیه‌العارفین (۱/۶۹۹) و الذریعه (۱۰/۵)، در کتاب دیگر بیهقی یعنی غرر‌الامثال هم از آن یاد شده است که این یادکرد تا حدی نمونه‌ای از مباحث مطرح‌شده در کتاب را نشان می‌دهد. بیهقی می‌نویسد: «أما الکهنه فقد ذکر ما قیل فی بابهم فی کتاب ذخائرالحکم و لهم مراتب متفاوتة، فبعضهم يستخرج الضمائر بعلامات الخطوط و أعدادها و بعضهم يستخرجها بالنظر إلى شيء شفاف و بعضهم يستخرجها بالعدو السريع إلى حد يغشى عليه أو عراه الغشى» (غرر‌الامثال، برگ ۷۳ ب) که معنی آن چنین است: «اما آنچه درباره کاهنان گفته‌اند در کتاب ذخائرالحکم آورده‌ام. آنان مراتب گوناگونی دارند، برخی با نشانه‌های خط و عدد اسرار را بیرون می‌کشند و برخی با نگاه کردن به چیزی شفاف. برخی نیز با تند دویدن تا آنجا که بیهوش می‌شوند یا به حالت غش می‌افتند.»

بنا بر گفته سید عبدالعزیز طباطبایی، بیهقی در جوامع احکام النجوم خود نیز از کتاب ذخائرالحکم یاد کرده است.

۳- مجامع الامثال و بدائع الاقوال

این کتاب را بیهقی در چهار جلد نوشته و در معجم الادباء، ایضاح المکنون (۲/۴۳۰) و هدیة العارفین (۱/۷۰۰) از آن یاد شده است. خوشبختانه بیهقی در کتاب معارج نهج البلاغه خود بیش از ده بار به این کتاب اشاره کرده و گاه نقل قول‌هایی از آن آورده است. این اشارات را که تا حد زیادی نمودار مباحث مطرح‌شده در مجامع الامثال است، می‌توان در سه دسته جای داد:

الف) ذکر مشاهیر ایام عرب

بیهقی در نقد سید رضی که خطبه نوزده نهج البلاغه را در اشاره به واقعه «یمامه» دانسته که در آن اشعث مردم خود را بفریفت تا خالد بر سر آنان تاخت و کشتاری سخت کرد (نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، ص ۴۵۵)، نوشته است: «هذه القصه لم توجد فی التواریخ و ایام العرب و قد تصفحت اکثر التواریخ و ذکرت مشاهیر ایام العرب فی کتابی المعنون بمجامع الامثال ...» (معارج نهج البلاغه، ص ۲۷۷)، یعنی «این داستان در [کتب] تاریخ و روزهای عرب نیامده است و من اغلب کتب تاریخ را از نظر گذرانده‌ام و مشاهیر ایام عرب (روزهای مشهور عرب) را در کتابی به نام مجامع الامثال آورده‌ام ...». بنابراین یکی موضوعات مهم کتاب مجامع الامثال، «مشاهیر ایام عرب» بوده است.

بیهقی در جای دیگری از کتاب معارج نهج البلاغه بار دیگر به این موضوع اشاره کرده و به‌صراحت نوشته است که تفصیل «ایام عرب» و وقایع آن را در کتاب مجامع الامثال آورده است (همان، ص ۷۲۳).

ب) ذکر اقوام مختلف و محل زندگی آنان

بیهقی ذیل «این العمالقه» که در خطبه ۱۸۲ نهج البلاغه آمده است، می‌نویسد: «و کان منزل عاد الیمن و منزل ثمود ما بین الحجاز الی الشام و ...» (همان، ص ۶۲۱) و در انتها می‌گوید که تفصیل آن را در کتاب مجامع الامثال آورده است.

ج) شرح و توضیح امثال

بیهقی ذیل برخی از امثال تازی نهج البلاغه، به‌اختصار آن‌ها را شرح داده و برای توضیح بیشتر به کتاب مجامع الامثال ارجاع داده است. برای نمونه، در شرح خطبه ۳۵، وقتی به مثل «لو کان یطاع لقصیر أمر» می‌رسد، می‌نویسد: «این مثل از امثال کهن عرب است که تفصیل [شرح] آن را در کتاب مجامع الامثال خود آورده‌ام» (همان، ص ۳۱۳).

او ذیل مثل «عنه الصّباح یحمدُ القومُ السّری» که در خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه آمده، می گوید: «این مثل را برای کسی می گویند که سختی را به امید راحتی بعد از آن تحمل می کند» و سپس ادامه می دهد که تفصیل [شرح] آن را در کتاب مجامع الامثال آورده است (همان، ص ۵۷۱).
به همین ترتیب بیهقی ذیل مثل «ردّوا الحجر من حیث جاء» می نویسد که آن را در مجامع الامثال خود آورده است (همان، ص ۸۷۴).

بیهقی در شرح خطبه ۱۰۸ نهج البلاغه و ذیل جمله «فلیصدق رائدُ أهله»، آن را برگرفته از مثل «لا یکذبُ الرائدُ أهله» دانسته و در شرح آن گفته است که «قصه و سبب ذکر مثل را در کتاب مجامع الامثال نوشته است» (همان، ص ۵۴۴).

۴ - غرر الامثال و درر الاقوال

از این کتاب مهم بیهقی که در معجم الادباء، کشف الظنون (۲/۱۲۰۰)، هدیة العارفین (۱/۷۰۰) و الذریعه (۱۶/۳۷) یاد شده، تنها یک نسخه به دست ما رسیده است که در کتابخانه مؤسسه لوکدونو باتافای لیدن هلند به شماره ۱۰۴۴ نگهداری می شود. این دست نویس ۲۵۵ برگ است که آغاز و انجام آن افتاده است. این نسخه به کوشش سید محمدحسین حسینی جلالی در شیکاگو به صورت عکسی (فاکیمیل) در تعداد محدود منتشر شده است. همچنین بخش حرف «الف» این کتاب را دکتر حسن الصغیر در فرانکفورت به چاپ رسانده است.^۱
اگرچه زلهایم در مقاله ای که در معرفی این اثر نوشته است، بنابر قرائنی تاریخ تألیف آن را بین ۵۴۵ تا ۵۴۹ ق. دانسته است (امثال کهن عربی، ص ۲۹۶)، اما از آنجا که بیهقی در این کتاب از اثر دیگر خود یعنی معارج نهج البلاغه یاد کرده که نگارش آن در سال ۵۵۲ به پایان رسیده است، می توان نتیجه گرفت که زمان تألیف غرر الامثال باید بعد از سال ۵۵۲ ق. باشد.

چنان که از مقدمه جلد دوم (برگ ۱۳۶ ب) برمی آید، بیهقی کتاب خود را به «صدر اجل یمین الدوله و الدین مجد الاسلام و المسلمین ... ابوعلی احمد بن اسماعیل»، یکی از بزرگان دربار سلطان سنجر اهدا کرده است.^۱

در این کتاب امثال به ترتیب حروف الفبا مرتب شده و توضیحات بیهقی به «سبب» و «ضرب» و «لغت» و «حل» و ... تقسیم شده است. پیدا است که مجمع الامثال میدانی مهم ترین منبع او بوده است، چرا که جدا از ذکر مکرر نام میدانی، از شیوه او نیز پیروی کرده و پس از اتمام امثال کهن هر حرف، امثال «مولّد» (تازه) را هم آورده است.

۱. عماد اصفهانی درباره این شخص می نویسد: «به سنجر پناه برد تا آنکه «حادثه اش» پایان یافت و به اصفهان بازگشت» (خریده القصر، ۱/۱۴۰) که در این عبارت مقصود او را از «پایان یافتن حادثه اش» نمی دانیم. آیا منظور عماد اصفهانی گرفتاری سنجر در بند غزان بوده که در ربیع الاول یا جمادی الآخر سال ۵۴۸ ق. روی داده یا مرگ وی که در سال ۵۵۲ ق. اتفاق افتاده است؟ (ابن فندق و تاریخ بیهقی، ص ۷۶۲).

جلد نخست کتاب، امثال عرب تا پایان حرف «ظ» را در بر می‌گیرد و جلد دوم با مقدمه‌ای کوتاه و امثال حرف «ع» آغاز می‌شود. بیهقی در این کتاب علاوه بر میدانی، از مثل‌نگاران دیگری همچون زمخشری (م: ۴۹۹ ق.)، ابو عمرو بن اعلاء (م: حدود ۱۵۴ ق.)، ابوبکر خوارزمی (م: ۳۸۲ ق.)، ابوالفضل میکالی (م: ۴۳۶ ق.)، ابو عیید (م: ۲۲۴ ق.)، اصمعی (م: حدود ۲۱۳ ق.)، حمزه اصفهانی (م: پس از ۳۵۰ ق.) و ... نیز بهره برده و از آنان نقل قول کرده است (امثال کهن عربی، ص ۲۹۹-۲۹۷). غرر الامثال از نظر روش در میانه شیوه میدانی و زمخشری است، بدین معنی که او مانند میدانی به امثال مولد (تازه) توجه کرده است، حال آنکه زمخشری آن‌ها را در کتاب خود نیاورده است. از سوی دیگر بیهقی بیشتر بر مسائل لغوی متمرکز شده و در این زمینه از زمخشری که لغت‌شناسی برجسته و نام بردار بوده، پیروی کرده است. به گفته زلهایم «استقلال بیهقی در ارائه امثال و تفسیر مطالب مطرح شده، حفظ شده است. وی نه از منابع خود رونویسی کرده و نه «میدانی» کوچکی از خود ارائه داده است» (همان، ص ۲۹۵). به سخن دیگر غرر الامثال نشان می‌دهد که بیهقی نویسنده‌ای مستقل و دارای اندیشه‌ای اصیل بوده است. او کوشیده است تا با به دست دادن داستان‌های مختلف مانند داستان‌های معروف یا حکایات محلی و خانوادگی و یا تجربه‌های شخصی، زمینه کاربرد مثل را به خوبی نشان دهد. بیهقی اغلب از نیشابور و یا دیگر شهرهای خراسان و نیز امرای محلی به‌ویژه امرای بیهق و نیز خلفا و وزیرانشان نام برده و روایاتی را از خانواده خود مانند پدر و جد مادری اش (ابوبکر خوارزمی) و پسرعموهایش آورده است (همان). همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، او پاره‌ای نکات لغوی یا دستوری در کتاب خود آورده است که در دیگر کتب امثال، بدین گونه مفصل و کامل یافت نمی‌شود.

بیشترین شهرتش در حوزه تاریخ و مرهون کتاب گران سنگ تاریخ بیهق است.

مجموعه آثار بیهقی در حوزه امثال، به‌ویژه کتاب غرر الامثال و درر الاقوال که اثری مستقل و نسبتاً بدیع در این حوزه به شمار می‌رود، به خوبی دانش و تبحر بیهقی را در این زمینه نشان می‌دهد؛ بنابراین به جرئت می‌توان ادعا کرد که بیهقی که بیشترین شهرتش در حوزه تاریخ و مرهون کتاب گران سنگ تاریخ بیهق است، علاوه بر آن، ادیبی ممتاز و مثل‌شناسی برجسته بوده و در این زمینه نیز در زمره سرشناسان و نام برداران روزگار خود به شمار می‌رفته است.

منابع

- ۱ - «ابن فندق و تاریخ بیهق»، یوسف الهادی، ترجمه سلمان ساکت، مزدک نامه ۳، به خواهانی جمشید کیانفر و پروین استخری، تهران، ۱۳۸۹ ش.
- ۲ - امثال کهن عربی، رودولف زلهایم، ترجمه احمد شفیعیها، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱ ش.
- ۳ - خریدهاالقصر و جریدهالعصر، عماد اصفهانی، تحقیق عدنان آل طعمه، تهران: میراث مکتوب، ۱۹۹۹ م. ۱۳۷۷ ش.
- ۴ - الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقا بزرگ طهرانی، نجف، ۱۳۵۵ ق.
- ۵ - کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، حاجی خلیفه، به تصحیح محمد شریف الدین یالتقا و المعلم رفعت بیگلر الکلیسی، استانبول، ۱۳۶۰ ق. / ۱۹۴۱ م.
- ۶ - معارج نهج البلاغه، علی بن زید بیهقی، تحقیق اسعد الطیب، قم: بوستان کتاب، ۱۴۲۲ ق. / ۱۳۸۰ ش.
- ۷ - معجم الادباء، یاقوت حموی، تحقیق احسان عباس، بیروت، ۱۹۹۳ م.
- ۸ - نهج البلاغه، علی بن ابی طالب، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش.